

لیلی ایمن (آهی)



کتابداری

در کتابخانه های

کودکان و نوجوانان

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

در ده سال اخیر شاهد تغییرات قابل توجهی در آموزش و پرورش کشور بوده ایم. تغییر در نظام آموزشی قبل از دانشگاه مبتنی بر تغییر کلی در فلسفه آموزش کشور بود. اگر بخواهیم به طور بسیار خلاصه فلسفه نظام جدید آموزش را بیان کنیم شاید بهتر باشد بگوییم که این فلسفه بر دو اصل پایه گذاری شده است:

۱- توجه خاص به استعدادها و نیازهای فردی و اجتماعی

۲- تربیت قدرت تفکر و پژوهش در نسل جوان

لازمه رعایت این اصول در عمل، وجود وسایل و فرصتهایی است که کودکان و نوجوانان را یاری کند تا هم استعداد هایشان را نمایان سازند و هم بتوانند کنجکاویهایی سازنده خویش را ارضا کنند و راه و رسم پژوهش را از همان ابتدا فرا گیرند. یکی از مهمترین این وسایل بدون شک کتابخانه‌های مجهز و فعال است، چه به صورت کتابخانه عمومی و چه در قالب کتابخانه‌های آموزشگاهی.

خوشبختانه در سالهای اخیر کار کتابخانه‌های عمومی کودکان و نوجوانان به همت کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان هم از لحاظ کمی و هم از نظر کیفی در شهر و روستا گسترش چشمگیری داشته است. طوری که ملیونها دانش‌آموز ایرانی در سراسر کشور اکنون می‌توانند بدون کوچکترین خرجی از خدمات کامل کتابخانه‌ای برخوردار گردند. ولی کلیه کسانی که دست اندر کار آموزش و پرورش هستند، بدون اینکه اهمیت وجود این مراکز فرهنگی را بخواهند ندیده بگیرند، خوب می‌دانند که وجود اینها لزوم ایجاد کتابخانه‌های آموزشگاهی را به هیچ وجه نغی نمی‌کند.

وزارت آموزش و پرورش نیز خود به این نکته واقف است؛ چنانکه از سالها پیش احداث کتابخانه در مدرسه را در آیین نامه‌های آموزشگاهی جزو وظایف مدیران دانسته و حتی بودجه بسیار مختصری را هم برای آن تخصیص داده است. طبیعی است که این سؤال خود به خود پیش می‌آید: پس چرا در این مدت کمتر مدرسه‌ای در کشور ما از برکت کتابخانه برخوردار شده است؟ برای این نقصان ناخوشودنی علل مختلف وجود دارد ولی دو علت از آن میان نقش موثرتری ایفا می‌کنند: یکی اینکه طبق

مقررات، کتاب جزو اموال دولتی است و در نتیجه مدیر مدرسه مسئول حفظ آن است و معلوم نیست اگر کتابی پاره یا احیاناً گم شد چرا مدیر باید جریمه را بپردازد. این اشکالی است بسیار بزرگ در سر راه اکثر کتابخانه‌ها که با وجود کوشش پیگیران جمع کتابداران هم هنوز راه حل مناسبی گویا پیدا نکرده است. علت ثانی نداشتن کتابدار است. صحبت ما هم بر سر همین علت دوم است - یعنی تربیت کتابدارانی که بتوانند با کودکان و نوجوانان کار کنند و آنها را در امر مطالعه و تجسس راهنمایانی دلسوز و بی تعصب باشند. باید توجه داشت که کتابدار کتابخانه‌های کودکان و نوجوانان (چه آموزشگاهی و چه عمومی) باید قبل از هر چیز یک مربی باشد. بدین معنی که اطفال را آنقدر دوست بدارد و برایشان احترام قائل باشد که بخواهد آنها را درست و از روی اصول علمی و عینی بشناسد و به احتیاجاتشان پی ببرد. فقط چنین فردی خواهد توانست ساعتها وقت خویش را صرف مطالعه کتابهای کودکان و نوجوانان سازد و به بحثهای مراجعان جوان خود یاد دقت گوش دهد و همین علاقه و کشش او را وادار خواهد ساخت که مهارتهای فنی کتابداری را نیز به عنوان وسیله لازم برای کار خویش فرا گیرد.

کتابداری در کتابخانه‌های کودکان و نوجوانان کاری است بسیار پر مسئولیت و البته برای کسانی که به آن علاقمند هستند بی نهایت ارضاء کننده و لذتبخش. بر عکس آنچه معمولاً در آموزشگاههای ما اجرا می شود، چنین کتابداری باید هم از لحاظ جسمی و هم از نظر فکری انسانی پرتحرک باشد. متأسفانه معلوم نیست این سنت غلط از کجا شده است که اگر اتفاقاً در مدرسه‌ای کتابخانه‌ای وجود داشته باشد در اغلب موارد متصدی آن یا نقص عضوی دارد و یا از فرهنگیان بسیار سالخورده‌ای است که دیگر حوصله کار کردن با بچه‌ها را ندارد.

امروز متصدیان امور فرهنگی مربوط به کودکان و نوجوانان معتقدند که در ایجاد کتابخانه‌های مخصوص این گروه انتخاب و تربیت کتابدار نقشی بسیار اساسی دارد به همین دلیل ابتدا در انتخاب افرادی که مایلند به خدمت کتابخانه‌های کودکان و نوجوانان در آیند دقت بسیار مبذول می‌دارند. شرایط اصلی که برای این افراد در نظر می‌گیرند به طور کلی اینها هستند:

۱- سلامت جسمانی و روانی

۲- برخورداری از هوش متعارف برای بهره‌گیری از تحصیل و مطالعه

۳- داشتن ابتکار و سرعت انتقال کافی

۴- علاقه‌مندی به اطفال و فعالیت‌های مربوط به آنان

۵- علاقه‌مندی به مطالعه

۶- اجتماعی بودن

معمولاً متقاضیان شغل کتابداری برای کودکان و نوجوانان گذشتگان از گذراندن یک آزمون معلومات عمومی باید آزمونهای مختلف روانشناسی را که به نکات ذکر شده توجه دارد نیز بگذرانند و تنها به کمک نتایج این آزمونها و مصاحبه‌های دقیق و علمی است که می‌توان افراد لایق و قابل را انتخاب کرد تا دوره‌های لازم آموزش کتابداری ببینند. بدیهی است که در مورد کتابداران آموزشگاهی افرادی که سابقه تدریس و یا تحصیل در رشته‌های تعلیم و تربیت را داشته باشند رجحان خواهند داشت چه در مدرسه کتابداری که سابقه معلمی دارد به مراتب بهتر خواهد توانست هم شاگردان و معلمان را راضی نگه دارد و هم برای مسائل مختلفشان راه‌حلهای مناسب پیشنهاد کند.

آموزش کتابداری به کسانی که مایلند در کتابخانه‌های کودکان و نوجوانان کار کنند خود بحثی است کاملاً مجزا که درباره‌اش کتابها نوشته شده است

و با وجود این هنوز شاید مطالب ناگفته زیاد داشته باشد.

هدف از مطرح کردن این موضوع در مقاله‌ای به این اختصار فقط توجه به چند نکته خاص است. متأسفانه به حکم اجبار در کشور ما چند سالی است که بازار کلاسهای کارآموزی کوتاه مدت سخت گرم شده است. ما کلاسهای کارآموزی برای همه چیز داریم از تربیت معلم گرفته تا برای آموزش ساده‌ترین فنون و مهارتها. مبتکرین این کلاسها در جهان به هیچ وجه دوره‌های کوتاه مدت را جانشین مناسبی برای دوره‌های دراز مدت ندانسته‌اند بلکه آنها را فقط به عنوان وسیله‌ای برای شروع کارآموزی پیشنهاد کرده‌اند و همیشه به دنبال آن توصیه کرده‌اند که باید انواع فرصتهای کارآموزی و بازآموزی مداوم وجود داشته باشد که البته در کشور ما اکثر اوقات قسمت دوم کاملاً ندیده گرفته می‌شود. در مورد کتابداری نیز متأسفانه اغلب همین وضع حاکم بر آموزش این گروه از مربیان است. معمولاً گروهی را برای مدت یک هفته تا یک ماه در محلی برای دو سه ساعت در جمع می‌کنند و مقداری مطلب را به صورت کنفرانس به آنها ارائه می‌دهند بدون اینکه در اکثر مواقع فرصت بحث و گفتگو و تبادل نظری وجود داشته باشد. در این جا این سوال پیش می‌آید که فرضاً چهار ساعت روانشناسی شنیدن چگونه ممکن است کتابدار را در بر خوردش با نوجوان یا طفل دبستانی راهنمایی کند؟ خوب می‌دانیم و تجربه هم این را ثابت کرده است که در اغلب موارد اطلاع مختصر از علمی ممکن است خطرناکتر از بی‌اطلاعی محض در آن زمینه باشد و این موضوع در مورد روانشناسی بخصوص صادق است. اکثر کسانی که به ضرورت تفریحی کتابی درباره روانشناسی خوانده‌اند یا از همین کلاسهای چند ساعتی روانشناسی شنیده‌اند مخصوصاً اگر این مطالعات با تجربه مختصری در تدریس هم همراه شده باشد خسود را کمتر از یک ورنیزشک نمی‌دانند و در اولین فرصت دست به "مداوی

انحرافات روانی“ اطفال و نوجوانان می‌زنند؛ یا اگر کمی انصاف داشته باشند در برخورد با اولین اشکال طفل بیچاره را روانهٔ مطب متخصص امراض روانی می‌کنند.

کتابدار جوانی که فرصت بررسی دقیق کتابهای کودکان و نوجوانان را در ارتباط با نیازهای فردی و اجتماعی آنان پیدا نکرده است چگونه می‌تواند در راهنمایی این نونهالان در مطالعه موفق باشد. پس جای تعجب نیست اگر در کتابخانه‌ها به کتابدارانی بر می‌خوریم که نه فقط کمتر می‌توانند به نیازهای پژوهشی اطفال پاسخ گویند بلکه من غیر عمد عقاید و سلیقه‌های شخصی خود را در انتخاب کتاب به کودکان و نوجوانان تحمیل می‌کنند و در انجام انواع کارهای تربیتی، در حاشیه کتابخوانی، آزادی لازم را در ابراز عقیده و سلیقه به آنان نمی‌دهند. در نتیجه همین کمبود دانش و تجربه است که روزنامه‌های دیواری و معرفی‌های کتاب در کتابخانه‌ها حالت کلیشه‌ای بخود می‌گیرند به جای اینکه موجب ابتکار و پرورش استعداد های مختلف اطفال گردند.

به نظر می‌رسد که اولین نکتهٔ مهمی که باید در کلاسهای کارآموزی کوتاه مدت مطرح شود و کاملاً آشکار بیان گردد این است که این دوره‌ها اگر در فواصل معینی پیگیری نشوند و همراه بازدیدهای برنامه ریزی شده از طرف متخصصان فن نباشند می‌توانند حتی زیان بخش هم باشند.

اکنون که خوشبختانه انجمن کتابداران ایران ده سال اول زندگی پرتلاش را با بدست آوردن پیروزیهای حرفه‌ای قابل توجه پشت سر می‌گذارد حاضر دارد که در آغاز دههٔ دوم با استفاده از کلیه امکاناتی که در اختیار

۱۰ - ناگفته نماند که نوجوانان بسیاری در کتابخانه‌های عموم کودکان و نوجوانان هستند که واقعا محتاج به کمک هستند ولی بهتر است به حال این عده از مراجعان کتابخانه‌ها مددکاران اجتماعی متخصص رسیدگی کنند.

دارد انواع برنامه‌های کارآموزی را جهت تربیت کتابداران کتابخانه‌های کودکان و نوجوانان (اعم از آموزشگاهی یا عمومی) طرح ریزی کند و شرایط مدون و مشخصی را برای کارآموزان این رشته معلوم کند تا سازمان‌هایی که مایل به تربیت کتابدار هستند بتوانند با استفاده از این اطلاعات کلاسهای خود را تشکیل دهند.

وزارت آموزش و پرورش نیز باید به فکر استفاده جدی از فرصتهایی که این انجمن بوجود می‌آورد بیفتد. مثلاً شاید امکان داشته باشد در بخش خدمات دوره دبیرستانی کمک کتابدار نیز تربیت شود. یا چرا نباید در دانشسراهای مقاطع متوسطی و راهنمایی تحصیلی و بخصوص در دانشسراهای روستایی — طریقه تشکیل کتابخانه‌های کوچک و از آن مهتر طرق علاقه‌مند ساختن اطفال به مطالعه را به دانشجویان تربیت معلم آموخت؟ بدیهی است که اولین دلیل قابل قبول این خواهد بود که در این رشته مدرّس به تعداد لازم نداریم و حق هم دارند. ولی ما سالهاست که دانشسراهای عالی و دانشکده‌های علوم تربیتی داریم چطور نتوانسته‌ایم در این مدت یک گروه سی چهل نفری تربیت کرده باشیم که بتوانند این مطالب را در یک سطح بسیار ساده و عملی تدریس کنند؛ بخصوص که در این کلاسها فنون پیچیده کتابداری لزومی ندارد تدریس گردد.

امید است که دانشگاههای ایران و بخصوص دستگاههایی که مسئولیت تربیت معلّم را به عهده دارند این جنبه اساسی آموزش و پرورش جدید را مورد توجه خاص قرار دهند و در اسرع وقت برنامه‌های خود را با این نیاز بزرگ ملی تطبیق دهند.